

گفت‌وگو با علی قمصری

از جایی که ایستاده‌ام راضی نیستم



نسیم قاضی‌زاده

علی قمصری را خیلی‌ها با اولین آلبوم‌هایش با همایون شجریان شناختند، «نقش خیال»، «آب، نان، آواز»… بعدها با علیرضا قربانی و «سرو روان» و بعدها با محمد معتمدی و دیگران اما او سال‌هاست که داستان خودش و موسیقی‌اش را از خوانندگان جدا کرده، همیشه ترجیح داده این موسیقی **علی قمصری** باشد که با صداهای مختلف همراه است. بارها اعلام کرده که برایش نفس موسیقی، گوش‌دادن به آن و در فضای آن نفس‌کشیدن حرف اول و آخر را می‌زند، پای حرفش ایستاده و کار کرده است. امسال «درصط» را منتشر کرد با صاد و طا تا اصل درست‌بودن را زیر سؤال برد؛ بار دیگر تجربه‌ای متفاوت و نو. پای حرف‌های او که تجربه برایش مهم‌ترین چیز دنیاست، نشستیم.

✚ **از رونمایی آلبوم «درصط» مدت‌زمان کمی می‌گذرد. کمی درباره آن توضیح دهید.**

این آلبوم در ژانر ارکسترال ایرانی با همراهی ارکستر زهی غربی و تار است. یک کار دستگاهی در نواست و طبق معمول با هارمونی ایرانی که مدت‌هاست برای تثبیت‌کردنش تلاش می‌کنم، هماهنگ است. ایده پشت آن به هم‌اوردی بین شمع و تاریکی مربوط می‌شود. اتفاقا خیلی از زمان‌هایی که در آن آلبوم درصط شکل گرفت، در این فضای متضاد بین نور کوچک تأثیرگذار در حقیقت مطلق و عظیم تاریکی بود.

✚ **یعنی برعکس بسیاری از هنرمندان که از نور الهام می‌گیرند، شما از تاریکی الهام گرفتید؟**

از سوسوی نور کوچکی که در دل تاریکی زاده می‌شود. این دو می‌توانند با هم در تضاد و دشمنی باشند و می‌توان این‌طور هم برداشت کرد که با آن نور کوچک، تاریکی جشن گرفته می‌شود. زمان ساختن این آلبوم هر دو حس را به شکل هم‌زمان داشتم. الان در شرایطی هستیم که سعی می‌کنیم در دل تاریکی نور کوچکی روشن کنیم که برخلاف انتظار خیلی‌ها تأثیرش را در تارپود تاریکی می‌گذارد و نفوذش را ایجاد می‌کند.

✚ **در این آلبوم شیوه نوازندگی جالبی استفاده شد به این صورت که نوازنده زهی (آقای مروستی) تمام لاین‌های سازهای زهی را نواخته.**

در این آلبوم دنبال نوازنده‌ای بودم که هم اشراف بر موسیقی ایرانی داشته باشد و هم هیچ نقطه ضعفی در شناخت و اجرای موسیقی غربی نداشته باشد. معمولا مهارت نوازنده در یکی از این دو زمینه، وزن سمت دیگر را می‌کاهد. میثم مروستی خوشبختانه نوازنده دووجهین است. جاهایی نیاز به آلتراسیون و تغییر کوک نت‌ها داشتم تا اندازه‌ای که فضای مدال موسیقی ایرانی داشتم و نیاز بود که حتما به وسیله یک نوازنده زده شود. میثم برای این کار بهترین گزینه بود. برعکس عادت همیشگی‌اش که یک کار را می‌نوازد و به بقیه کارها کاری ندارد، در باره این کار چند بار به کار گوش و پیشنهاد داد. جاهایی را دوباره برزند و به‌اصطلاح قلابش به این کار گیر کرد.

✚ **انتظار و توقعات این است که این آلبوم را طرفداران موسیقی سنتی بیشتر گوش دهند یا کسانی که موسیقی کلاسیک یا تلفیقی گوش می‌کنند؟ سلیقه چه قشری را مدنظر داشتید؟**

می‌تواند همه مخاطبان را از ژانرهای مختلف را شامل شود و دوست دارم این اتفاق بیفتد. با این شعار میانه خوبی ندارم که «دوست دارم موسیقی‌ام آدم‌های جدیدی را وارد یک ژانر موسیقی کند». چون معمولا موسیقی‌هایی که می‌خواهند خودشان را در بستر بزرگ‌تری از مردم جا بیندازند، کمی سبک می‌شوند. مجبور می‌شوند المان‌های «پاپیولار» را وارد کارشان کنند. اگر کاری فرم و معماری و قصه درستی داشته باشد، از تاتار و سینما گرفته تا موسیقی، چه ساز و آواز باشد چه ارکسترال باشد و چه حتی سکوت باشد، مخاطب درکش می‌کند.

✚ **از سال ۸۴ که با آلبوم نقش خیال با صدای همایون شجریان به صورت حرفه‌ای وارد بازار موسیقی ایران شدید، اسمان با تجربه‌ها و اتفاقات تو گره خورد و همچنان خیلی‌ها از شما انتظار حرف جدید دارند. خودتان از جایی که الان ایستاده‌اید، راضی هستید؟**

جایی که ایستاده‌ام جایی نیست که صد درصد از آن راضی باشم اما طوری هست که اگر به عقب برگردم، دوباره همین مسیر را طی کنم.

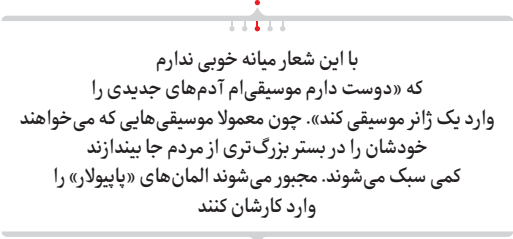
✚ **خودتان هم منتقد خیلی خوبی هستید. نوازنده و آهنگ‌ساز صرف نبودید. همیشه صدای اعتراض خیلی از هم‌نسل‌هایتان بودید. جز، آن دسته از هنرمندان نیستید که معتقدند هنرمند باید ساکت و سرش در دفتر تنش باشد.**

مدتی است که نسبت به سیاست‌گذاری‌های دولت در مورد موسیقی خیلی معترض هستم. به هم‌بستگی ملی اعتقاد دارم و فکر می‌کنم در مقابل هجمه‌ای که از کشورهای مختلف متوجه ماست، همه قومیت‌ها باید با هم باشیم، صوری به خرج دهیم و به هم‌دیگر و به مسئولان کمک کنیم. اعتراضی که نسبت به سیاست‌گذاری‌ها داشتم همیشه در جهت اصلاح بوده نه نفی. گاهی اعتراضاتم تند بوده که از آنها هم پشیمان

نیستم. اعتراضم به محفلی عمل‌کردن و حق خوری یک‌سری از جوانان بود که دیدهام در شهرستان‌ها چطوری کار می‌کنند و لب مرز ناامیدی حرکت می‌کنند. نمی‌گویم من بی‌عیب یا دارای چهره‌ای نورانی هستم؛ فقط وقتی تریبون دارم باید حرفی بزنم.

✚ **بعضی از اعتراضات‌تان هم شخصی بود. درست است؟ مثل اعتراض‌تان به سریال شهرزاد.**

بستگی به این دارد که شخصی‌بودن را چطور ببینید. در سریال «شهرزاد» به خاطر اینکه احترام زیادی برای آهنگ‌سازی فردین خلعتبری قائلم، بدون اینکه درخواستی داشته باشم، اجرای تار کل سریال را برعهده گرفتم. خواننده آقای علیرضا قربانی بود و موسیقی هم با سریال که در دوره خاص تاریخی اتفاق می‌افتاد سنخیت داشت و خوب شده بود. بعد از پخش نشش، هفت قسمت، متوجه شدم هیچ اسمی از من به‌عنوان نوازنده در تیتراژ نیامده است. خوشحال بودم که تار توانسته نقش کوچک مثبتی در سریال ایفا کند و نه جایی حرفی زدم و نه اعلام کردم تار این کار را من زده‌ام. در قسمت‌های ششم و هفتم بود که به یکباره همه‌چیز عوض شد. موسیقی رنگ دیگری به خودش گرفت و صدای آقای چاووشی (که احترام زیادی برایشان قائل هستم) جایگزین شد. در همان قسمت هم اسم من به‌عنوان نوازنده تار در تیتراژ آمد. اعتراض من به این بود که چرا پیش از اینکه موسیقی حال‌وهوای دیگری داشت، اسمم برده نشد. باید این حق انتخاب وجود داشته باشد که آدم دوست دارد اسمش کنار چه کسانی بیاید. دوبید کاپریل‌مد هم شناخته‌شده است اما آیا علی قمصری باید افتخار کند که اسمش کنار اسم او باشد؟ اگر دوست داشتم اسمم مطرح شود و دیده شوم، در آن شش قسمت اول که نامی از من برده نشد حرف می‌زدم. بخشی از اعتراضم در این مورد بود که یک نفر به خاطر اینکه نوازنده است نباید حشش خورده شود و مورد بی‌مهری قرار گیرد. در کشوری زندگی می‌کنیم که اثری که خواننده ندارد، در پایگانی صداوسیمایش هیچ پرورنده‌ای ندارد. یکی از آثار مرا بدون اجازه پخش کردند. وقتی پیکیری کردم، دیدم اثر بی‌کلام پرورنده‌ای ندارد. با بضاعتی که دارم، با این فرهنگ مبارزه می‌کنم که خواننده باعث می‌شود یک اثر به رسمیت شناخته شود. دشمنی من با خواننده‌ها نیست، بلکه با فرهنگی است که باعث می‌شود خواننده‌ها تبیل شوند چون خیلی سریع محور توجه می‌شوند و بعد دیگر دست از مطالعه تاریخ موسیقی، کارکردن ن‌تخوانی، سلفژ و … برمی‌دارند. یعنی بسیاری از خواننده‌ها به جای اینکه خودشان را به اصول و قواعد موسیقی مجهز کنند، به دنبال چیزهای دیگری می‌روند مثل اینکه چطوری دیده شوند و خیلی از حاشیه‌های دیگر. یعنی وارد سیاست هنر می‌شوند نه قواعد هنر.



✚ **داستان‌های شهرزاد خیلی هم ادامه‌دار شد و نامه‌نگاری‌ها و پست‌های اینستاگرامی چندین دفعه تکرار شد.**

اتفاقی بود که به دلیل سهل‌انگاری یکی از دوستان هنرمند شکل گرفت اما در نهایت به ضرر من نشد. اتفاقا اختلافات فرهنگی بخش‌های مختلف جامعه خیلی بیشتر معلوم شد.

✚ **راجع به خواننده‌ها صحبت کردیم. بعد از مدتی که با خواننده‌های درجه‌یک مثل همایون شجریان، علیرضا قربانی و دیگران کار کردید، الان چقدر علاقه دارید کار باکلام انجام دهید و چقدر لزومش را احساس می‌کنید؟**

علاقه‌ام حفظ شده و از همکاری‌هایی که با خیلی‌ها داشتم راضی هستم. اما دوست دارم کاری انجام دهم که واقعا خیلی تأثیرگذار باشد و صرفا به انجام یک کار عاشقانه که راه به دل مردم باز می‌کند و تاریخ‌مصرف دارد بسنده نکنم. دوست دارم یک موج روی آب راکد ایجاد شود. مثلا یکی از چیزهایی که برای کار باکلام مرا برمی‌انگیزد، اشعار شعرای امروزی است. این نوع ادبیات را دوست دارم اما شعری که واقعا استخوان‌دار باشد و آتشی بر دل برزند. اما الان انکار تا اثری به قول خودتان عاشقانه پاپیولار نباشد. میزان شنیده‌شدنش هم کمتر است.

✚ **همه‌جای دنیا هم این طوری شده اثری که کمتر شنیده شود، کمتر هم‌اندگار می‌شود. چه ایده‌ای دارید برای اینکه کار اصیل و ارزشمندی انجام دهید که دل و دانشتان می‌گوید و هم طوری باشد که مخاطب کمی عام‌تر را هم جلب کند؟**

اینکه بتوانم با اثرم همه مخاطبان را جذب کنم غیرممکن است. بنابراین به این فکر می‌کنم که رسالتم چیست. مشکل ما این است که مسئولان می‌خواهند از کسی مثل یانی حمایت کنند که دیده هم بشوند نه کسی مثل پنهون را. درحالی‌که یانی توجهش را از مخاطبش و بلیت‌هایی که می‌فروشد می‌گیرد و نیازی به حمایت دولت ندارد. اما متأسفانه دولت



ما چهره‌سالار است نه شایسته‌سالار. مثلا یک فستیوال برگزار می‌کنند، هنرمندانی را دعوت می‌کنند که از آن طریق خودشان دیده شوند.

✚ **با وجود اینکه خیلی جاها یک‌تنه سنت‌شکنی کردید، الان فعالیت‌هایتان در چه زمینه‌ای است و برنامه‌هایتان برای کنسرت‌های داخلی و خارج از ایران به چه شکل است؟**

کماکان با یکی، دو نفر از خواننده‌های خانم به فعالیت‌های خارج از کشورم ادامه خواهم داد. مخصوصا خانم هاله سیفی‌زاده که پتانسیل خوبی دارند و قدرشان در ایران دانسته نشده است. به معرفی‌شدن چهار نفر از خوانندگان موج نو و خارج از آنکه در شهرهای مختلف هستند هم کمک خواهم کرد. اما خیلی مشخص نمی‌توانم درباره برنامه‌های سال آینده صحبت کنم چون ایده‌ها غلت می‌خورند و در ذهنم معلق هستند. از نمونه کارهایی که صد درصد انجام خواهم داد انتشار کتاب هارمونی ردیف دستگاهی است که برایش خیلی تلاش کردم و به‌همین دلیل کمی با تأخیر منتشر می‌شود. همین‌طور تور شهرهای مختلف را خواهم داشت که هم‌نوازی است. در فستیوال‌های خارجی با گروه‌های خوبی همراه خواهم شد. همین‌طور آلبومی با یکی از خوانندگان خوب خواهم داشت.

✚ **برعکس بسیاری از هنرمندان که فعالیتشان را از شهرستان‌ها به تهران معطوف کرده‌اند، شما همیشه به شهرستان‌ها و خواننده‌ها و نوازنده‌های شهرستانی توجه خاصی داشتید. این روحیه از کجا می‌آید؟**

بخشی به پتانسیل شهرستان‌ها برمی‌گردد. موزیسین‌ها تشنگی و آرمان‌گرایی خاصی دارند و رویاهای عجیب‌وغریبی را در سر می‌پروراندند. معاشرت با آنها برایم خیلی لذت‌بخش است. هر وقت در شهری کنسرتی دارم، هیجان و شوقی دارم برای اینکه با نوازندگان، آهنگ‌سازان، مؤلفان و شعرای آن شهر جلاستی داشته باشم. اینها ناشی از علاقه قلبی‌ام است اما نتیجه‌اش این شده که پایگاه‌های خوبی در شهرهای مختلف پیدا کرده‌ام. هدفم کمک به شهرهای دیگر نیست، بلکه یک معاشرت دوطرفه را مدنظر دارم که خودم هم در آن خیلی یاد می‌گیرم.

✚ **منبع تغذیه فکرتان کجاست؟ مثلا چه گوش می‌کنید؟**

موسیقی‌ای که گوش می‌کنم خیلی متنوع است. از موزیک‌های خارجی جز، بلوز، فیوژن … گوش می‌کنم. از طرفی بر موسیقی قدیمی کشورمان مخصوصا سولوها تمرکز زیادی دارم. موسیقی‌های خوب آدم‌های مختلف را دنبال می‌کنم.

✚ **شما که این قدر جدی هستید، موسیقی با هم گوش می‌کنید؟**

بله، الان قدرا هم جدی نیستم. تا ۲۵سالگی کمی منجمد بودم که البته آن موقع لازم بود. یک‌بار در فستیوالی در مراکش از یک گروه آفریقایی چنان موسیقی جذابی شنیدم که یک‌دفعه تحول اساسی در زندگی‌ام اتفاق افتاد و آغازی بود برای اینکه در لایف‌استایلم تغییراتی بدهم.

✚ **به جز موسیقی در وقت آزادتان چه کارهایی انجام می‌دهید؟**

علاقه زیادی به خواندن کتاب‌های داستان دارم. اما کلا استفاده هنرمندانه از کلمات را دوست دارم و شاعرانگی رفتاری و گفتاری و نوشتاری همیشه جذبم می‌کند. کتاب‌های امانوئل اسمیت، ایتالو کالوینو، همشهری داستان و مطالب طنز را دنبال می‌کنم. از طرف دیگر کتاب‌هایی که بر ادبیات و موسیقی متمرکز هستند را می‌خوانم تا اطلاعاتم را زیاد کنم. تاریخ موسیقی جذبم می‌کند چون از آن می‌آموزم و می‌توانم متوجه شوم در آینده چه اتفاقی قرار است برپا یفتد. به اخبار معنادم. بیشتر خبرهای سیاسی را رصد می‌کنم و گاهی نگران می‌شوم.

✚ **چرا نگران؟**

چون متوجه همه‌هایی که در مورد کشورمان هست می‌شوم، اینکه چه ائتلاف‌ها و اتحادهایی علیه ایران انجام می‌شود و دنبال آن هستند که آینده کدری را رقم بزنند.

✚ **اهل ورزش هم هستید؟**

بله، از هفت‌سالگی به مدت هفت سال تحت نظر پدرم کونگفو کار می‌کردم. الان بیشتر ورزش باستانی کار می‌کنم. میل باستانی خیلی بیشتر از وزنه و اجسام سنگین کمک می‌کند چون هم تعادل را برایم به ارمغان می‌آورد و هم به مج آسیب نمی‌رساند.

✚ **به جز سفرهای کاری، چقدر اهل سفر هستید؟**

خیلی. زمان کمتری را می‌توانم برای سفرهای تفریحی بگذارم اما در کل همین سفرهای کاری به‌نوعی تفریحی هم هست.

✚ **چقدر خودتان را ده‌هشتنی می‌دانید؟**

کاملا. با تمام مؤلفه‌های منفی و مثبتش.

✚ **کم‌کدام از این مؤلفه‌ها در کارتان متجلی شده است؟**

دهه‌هشتنی‌ها انگیزه و خصوصیات انقلابی نسل قبلیشان را دارند و همین‌طور نگاه رو به جلوی نسل بعد را. چون هر دو را تجربه کرده‌اند. هم کنار سفره مادر‌بزرگ، کنار حوض آبی با ماهی سرخ نشسته‌اند، هم فضاهای مجازی مثل اینستاگرام را دیده‌اند و می‌توانند از هر دو استفاده کنند. مجموعه‌ای از هم‌آغوشی سنت و مدرنیته هستند.

✚ **شاید یکی دیگر از ویژگی‌های دهه‌هشتنی‌ها بی‌تابی است که در کارهای شما می‌شود دید.**

در خودم هم می‌شود دید!

موسیقی

سه‌شنبه ۲۹ فروردین ۱۳۹۶ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۴۲ • ۹

شرق روزنامه

زخمه

در حاشیه یادداشت «شجریان بی‌جانشین»

جفا به شاگردان

عزیز قاسم‌زاده . خواننده

علی فتوحی در روزنامه «شرق»، روز چهارشنبه ۲۳ فروردین یادداشتی درباره خبر انتشار ردیف‌های آوازی استاد شجریان از سوی استادان علی جهانداد و محسن کرامتی منتشر کرده است. روح کلی یادداشت بر دو نکته تأکید دارد: نخست اینکه چنین خبر مهمی باید با پوشش درخور رسانه‌ای مواجه شود و متأسفانه درباره این رویداد قصور خبری و رسانه‌ای رخ داده است و دیگر اینکه در سال اخیر و در پی بیماری استاد، خوانندگان جوانی در فضای مجازی هر کدام سعی کرده‌اند خود را میراث‌دار مکتب او و جانشین بی‌منازع او مطرح کنند.

گرچه هر دو نکته یادشده توسط نویسنده محترم نکته‌ای درست و تأمل‌برانگیز است و نیاز است این بی‌اخلاقی‌ها و فرصت‌طلبی‌ها مورد واکاوی قرار گیرد، اما در نهایت یادداشت به گونه‌ای نگاشته شده که گویا نویسنده محترم از مقام و موقعیت آوازی دو استاد یادشده یعنی استادان علی جهانداد و محسن کرامتی اطلاعی ندارد و آنها را هم‌شان و هم‌رتبه این‌ جوانان خام جویای نام قرار داده است. استاد محمدرضا شجریان در مصاحبه‌های دیداری و نوشتاری خود در سال‌های گذشته از چند نوبت از پنج نفر نام برده که در محضر او علاوه بر اتمام ردیف، دوره عالی آواز را هم طی کرده‌اند.

او ضمن نام‌بردن از چند خواننده مشهور که برای شاگردی نزد او رفته‌اند، از استادان: علی جهانداد، محسن کرامتی، حمیدرضا نوربخش، مظفر شفیعی و قاسم رفعتی به‌عنوان پنج‌نفری یاد می‌کند که تمام ظرف و دقایق آوازی و شیوه او را در محضر او به اتمام رسانده‌اند. این اشاره هم در کتاب «راز مانا» آمده است و هم «لطیفه نهانی» و نیز «هزار گلخانه آواز» ضمن اینکه استاد محمدرضا شجریان هنگام انتشار «صبح مشتاقان» به آهنگ‌سازی استاد پرویز مشکاتیان با صدای علی جهانداد ضمن نوشتن نامه‌ای که اکنون در کتاب «هزار گلخانه آواز» موجود است، آشکارا از او تجلیلی بایسته می‌کند.

نگارنده نیز این توفیق را یافت تا در یک گفت‌وگوی تصویری منتشرنشده با استاد محمدرضا شجریان که در بهمن ۹۱ در منزل استاد گرفته شده نظر ایشان را در این‌باره جویا شود. استاد محمدرضا شجریان در این گفت‌وگو ضمن تأیید پنج نفر از شاگردان خود درباره استاد علی جهانداد تعبیرات ویژه و شنیدنی دارند. درباره استاد محسن کرامتی هم به این نکته می‌توان بسنده کرد که ایشان علاوه بر تسلط ردیف‌آوازی در بهار ۸۲ اثری نادر را در خوانش آوازی جواب ساز ردیف میرزاعبدالله منتشر کردند که علاوه بر بدیع‌بودن حکایت از تسلط عمیق ایشان بر ردیف‌های سازی در کنار ردیف‌های آوازی داشت. ایشان در پایان اثر منتشرشده می‌نویسند: «در خاتمه حاصل تلاش چندساله‌ام را، هرچند ناقیل، به استاد گرانمایه و یگانه‌ام، استاد محمدرضا شجریان تقدیم می‌دارم.» پرسش اساسی اینجاست که دو استاد نام‌برده‌شده یعنی آقایان علی جهانداد و محسن کرامتی شناخته‌تر و اعلم‌تر از آتی هستند که در نوشتار نویسنده محترم مغفول واقع شود. او به‌حق به نقد کسانی پرداخته که بدون درک محضر استاد خود را شاگرد و وارث ایشان می‌دانند.

اما به نحوه‌ای مقاله را تدوین کرده که گویی این دو استاد پیش‌کسوت یکی از همان جوان‌های جویای نامند. او حتی ضمن «مذموم»‌شمردن انتشار این روایت ردیفی حتی در فراز پایانی مطلب خود پا را فراتر نهاده و در موضع داوری هنری از «ارزش و استناد هنر» این ردیف پرسیده است. به‌هرروی به نظر می‌رسد نویسنده محترم با نیتی خیرخواهانه در دفاع از بی‌جانیشنی استاد محمدرضا شجریان جفایی خواسته و ناخواسته در حق شاگردانی از استاد روا داشته‌اند که مرجع‌بودن آنها از سوی خود استاد مؤکداً مورد تأیید قرار گرفته است.

ضمن اینکه درباره محتوای این اثر با توجه به شناخته‌بودن روابان اثر، نباید این‌قدر عجولانه برخورد کرد. باید دراین‌باره قضاوت و داوری را به مراجع هنری واثقیم. چه که ورود در این حیطه امری به‌غایت تخصصی و فراتر از نقدهای ژورنالیستی و مرسوم است.

نوا

کنسرت «ترانه‌های سرزمین مادری» در نیاوران

شرق: گروه موسیقی «آبرون» به سرپرستی مسعود عظیمی‌فر، کنسرت «ترانه‌های سرزمین مادری» را در ۲۸ و ۲۹ فروردین در فرهنگ‌سرای نیاوران روی صحنه خواهد برد.

به گزارش روابطعمومی بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران، گروه موسیقی «آبرون» که با هدف معرفی فرهنگ و هنر ایران و پیوند آن با موسیقی جهانی پا به عرصه بین‌المللی نهاده، در نظر دارد در این برنامه قطعاتی همچون دل دیوانه، واسونک، جمعه بازار، شانه، نوابی، رشیدخان، مجنون نبودم، مستم مستم، جان مریم، شکوفه (باد بهاری)، شکار آهو، بهار دلنشین، گل پامچال، سیمای جان و عاشق شدم من را که همگی برگرفته از ملودی‌های فولکلوریک ایرانی هستند، با تنظیمی متفاوت و با گرایشی به موسیقی جز اجرا کند.

اعضای گروه موسیقی «آبرون» عبارتند از: مسعود عظیمی‌فر (خواننده و سرپرست گروه)، آربی بابومیان (پیانو و تنظیم‌کننده قطعات)، محسن طاهرزاده (دف) و سازهای کوبه‌ای)، فرزاد کبییری (بوزوکی و سه‌تار)، علی رفیعی (تاکاردنون)، سامان نافعی (ویلن)، محمد بنی‌پور (کاخن و ادوات کوبه‌ای).

گفتنی است علاقه‌مندان رای تهیه بلیت کنسرت موسیقی کلاسیک «آبرون» می‌توانند به سایت ایران‌کنسرت یا گیشه فرهنگ‌سرا مراجعه کنند.